

نقدی بر فیلم «پیری» به کارگردانی «ام.نایت.شیامالان»

کابوس گذر زمان



آفتاب یزد - یاسمن اسمعیل‌زادگان:
 «از پدرم آموختم به طبیعت عشق بورزم و از آن بترسم» - لرد سامرزایل - «مرد حصیری» فیلم سینمایی «پیری»، تازه‌ترین ساخته‌ی «ام.نایت.شیامالان» که اقتباسی است از رمان گرافیکی «قلعه‌ی شنی» اثر پیر اسکالر لوی و فردریک پیترز، روایت گروهی مسافر است که هتلی لوکس را در منطقه‌ای ساحلی برای سپری کردن تعطیلاتشان انتخاب می‌کنند. در طول اقامتشان اما به پیشنهاد مدیر هتل که تاکید می‌کند،

آن را تنها برای مسافران ویژه مطرح می‌کند، به ساحلی دنج و خلوت در پشت صخره‌هایی تماشایی و رعب‌انگیز که در طرف دیگر جزیره پنهان شده است هدایت می‌شوند تا تجربه‌ی این ناب را از این سفر رقم بزنند. در ابتدا، همه چیز با شکوه به نظر می‌رسد اما طولی نمی‌کشد که درمی‌یابیم، همه چیز آنقدرها که باید در این مکان بکر و دورافتاده، خوشایند و قابل پیش‌بینی به نظر نمی‌رسد و چیزی در این طبیعت وجود دارد که عادی نیست، چیزی شوم که در افق است. آنچه مسافران نمی‌دانند این است که این ساحل همچون مغاک است بی‌انتها که گذر زمان در آنجا متفاوت است و «شیامالان» اینگونه ساحل را بدل به موجودی زنده می‌کند که همه را میان صخره‌های بلند و تاریک، می‌فشارد و در این تنگنا، آرام‌آرام، شعله‌های هستی‌شان را خاموش می‌کند.

«شیامالان» با تصاویر درخشان از دریا، حرکت امواج، نور خورشید، صخره‌ها، اسکوت بی‌حد و ترکیب انگاره‌های مختلف، حال و هوای غمزه و اساسا نشان دادن چنین طبیعت بکر و خطرآفرینی، پیش از آشکار شدن جزئیات داستانی، آرام‌آرام دم‌فروبیستن را در پیش چشم مخاطب می‌آورد و نشان می‌دهد امر غریبی در حال رخ دادن است و آن شتاب گرفتن زمان در این نقطه‌ی نامعلوم است، نقطه‌ای مرگ و میشی که نیم ساعت در آن، معادل یکسال است. این بدان معناست که در این ساحل تقریباً یک عمر کامل، در یک ۲۴ساعت متراکم شده است و اینگونه است که کنشکنش انسان و طبیعت شروع می‌شود و «شیامالان» کاراکترهایش را در موقعیتی کلاستروفوبیک «تنگی هراسی»، در این جزیره به دام می‌اندازد تا طبیعت آن‌ها را از آن خود کند. مسافران می‌دانند که همانند رمان «ده پچه زنگی» از «آگاتا کریستی»، نمی‌توانند مکانی را که در آن گیر افتاده‌اند، ترک کنند و باید به انتظار مرگ بنشینند. مسافرانی از جنس مصرف‌گرایان ثروتمند که گمان می‌برند این مکان شگفت‌انگیز و دست نیافتنی، زمان را برایشان متوقف می‌کند و می‌توانند به راحتی نگرانی‌های خود را فراموش کنند. مکانی که فی‌الواقع، یک حقیقت بزرگ انسانی را برایشان آشکار می‌سازد که آن را به نوعی به دست فراموشی سپرده بودند. در این کابوس گذر زمان، آنها مجبور می‌شوند به وضوح آنچه را که فراموش کرده بودند و نمی‌خواستند ببینند و ببینند، نظاره کنند. «مرگ». ساحلی همچون یک بهم ساعتی که ثانیه به ثانیه‌اش، تهدید به مرگ است. بمبی که گویی به دست انسان‌ها داده شده تا آخرین لحظات عمرشان را کنار هم باشند و چرخه‌ی حیات را از تولد تا بلوغ و مرگ در چندساعت، ببینند و اولویت‌های زندگی‌شان

را تغییر دهند و در نهایت امر، از انکار به پذیرش برسند. ناگفته نماند که تمامی آثار «شیامالان» از این جهت که با اجتناب‌ناپذیری مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند، نوعی وحدت موضوعی را دنبال می‌کنند و او عموماً در آثارش «هستی رو به نیستی» را مدام به تصویر می‌آورد و در انتها، مخاطب را به آشتی با مرگ و پذیرش هدایت می‌کند تا رنج کمتری بکشد. در اینجا هم با دستکاری زمان، دگرپار، هستی به سوی مرگ را یادآور

می‌شود، تا شکلی از روایتگری منظرش را بسازد. همان هستی رو به نیستی که «هایدگر» می‌گوید: هستی، یعنی هستی‌ای به سوی مرگ «Sein-Zum-tode» هستی‌ای که آینده‌اش با مرگ بسته می‌شود. با این‌که قاب‌های «شیامالان»، ساحل و متعلقش را همچون مجموعه‌ای ساکن و ساکت، محو و گرد و غبار گرفته نشان می‌دهد، روی ابروها می‌ماند، گاهی آن‌ها را اسرارآمیز و گاهی هر آنچه به واقع هستند را نشان می‌دهد و همراه احساس خطر در این نقطه‌ی گمشده از جهان را یادآور می‌شود و تا ترس ناآشنا از هرانچه که می‌شناسیم را به خوبی القا می‌کند، اما فیلمنامه‌ی او آنقدرها که باید کامل نیست. سیر داستانی، عدم شخصیت‌پردازی صحیح، بازی‌های متوسط و دیالوگ‌های سطحی، ایده‌ی ناب او را تا حدودی کمرنگ می‌کند. همه‌ی آن‌چه که او تعریف می‌کند حول امر گنگ می‌چرخد و این امر بدون شناخت، مدام به امور گنگ بعدی اجازه داده می‌شود. ولی او همچنان ریسک می‌کند و دیدگاه فرضی خود را ارائه می‌دهد و البته که مخاطب را به انتظار اثر بعدی‌اش می‌نشانند.

در نهایت می‌توان گفت این کارگردان مطرح، داهیهانه و جسورانه، تازه‌ترین ساخته‌ی نامونوسش را بدل به یک قطعه تماشایی و اثرگذار می‌کند و با وحشت از تدفین پیش‌هنگام آنان که هنوز زنده‌اند، هراس و رنج را طوری بر مخاطب منتقل می‌کند که گویی تمام جهان به این ساحل هولناک بدل شده است. «شیامالان» به آهستگی، دوربینش را زبیر نور خورشید و در گرمای مطبوع تابستان با چشم‌اندازهای بکر، تکان‌دهنده، رویا گونه و خلسه‌آور که از جهتی آرامش و زیبایی بیش از حدشان بوی ویرانی می‌دهد، به حرکت درمی‌آورد و به شکلی از طبیعت آشنایی‌زدایی می‌کند که تا جان داریم، هراس و دلهره از آن نیز ما را بمباند و با تزریق گونه‌ای یخ زدگی، غرق شدن، دل زدن و فرسودگی، همراه احساس خطر در این نقطه‌ی سرعت گرفته در جهان را به تصویر می‌آورد تا امر غریب و استحال‌هی هراس‌انگیزش را یادآوری کند.

او در این وحشت‌آداجویی (تمپوهای موسیقی به معنای آهسته) که به تصویر می‌آورد، کاراکترهایش را دچار اختلال می‌کند، بعد آرام دست روی احساسات آن‌ها می‌گذارد و روان آنها را از کار می‌اندازد و در نهایت جسم آنها را تخریب می‌کند و در انتها، اساس باورها و نگرش ما را تکان می‌دهد.

اندر حکایت افرادی که یک شبه هنرمند می‌شوند

بازیگر سازی



آفتاب یزد - یوسف خاکیان: واقعا که بعضی از جمله‌ها در گوهرند، مخصوصاً که از زبان یک بزرگ خارج شوند، این درست است که از قدیم گفته‌اند به گوینده جمله توجه نکنید بلکه به مفهوم آنچه بیان می‌شود توجه کنید، اما از حق نگذریم وقتی جمله‌ای از زبان یک فرد پیشکسوت و صاحبنام خارج می‌شود باید توجه به آن را دو صدچندان کرد. یاد می‌آید استاد نصیریان در یکی از مصاحبه‌هایشان جمله‌ای با این مضمون را بیان کرده بودند که «در تمام طول عمرم هرگز حاضر نشدم

در کاری که در آن تخصص و مهارتی ندارم ورود پیدا کنم، مثلاً کارگردانی کار من نیست بنابراین هرگز به خودم اجازه نمی‌دهم پشت دوربین یک فیلم بنشینم و فیلم بسازم، من بازیگرم و سعی می‌کنم در حوزه بازیگری کارم را درست انجام دهم، اینکه موفق می‌شوم یا نه، مردم باید نظر بدهند» دقت کنید این جمله را شخصی بیان می‌کند که بیش از ۵۰ سال سابقه حضور در فیلم‌ها و سریال‌های سینمایی را دارد، با این شرایط مسلم است که این استاد کم نظیر بازیگری در طول عمر هنری‌اش تمام فوت و فن‌های بازیگری را آموخته و چیزی نمانده که با بلدش نباشد، با این حال اینگونه هنرمندان آنقدر تواضع دارند و فروتنی دارند که همیشه خود را شاگرد می‌دانند و می‌گویند که هنوز داریم از بزرگان درس می‌آموزیم، فارغ از اینکه خودشان بزرگند و جایگاه رفیعی دارند.

در کنار این هنرمندان بی‌بدیل هم البته برخی دیگر افراد هستند که اصرار عجیبی دارند که وارد حوزه‌ی بشوند که واقعا برای آن ساخته نشده‌اند و به قول معروف آن «آن» بازیگری در درونشان وجود ندارد، به هر در دیواری هم می‌زنند که وارد این حوزه شوند و فعالیت نمایند. البته که علاقه در درونشان وجود دارد اما از ابزار مورد نیاز بازیگری فقط همین یکی را دارند، البته از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان «نگذارید در گاوستان بگویم کسی متوجه نشود، پول هم دارند» و عجیباً که این پول گاه چه‌جا که نمی‌کند و چه گره‌ها که باز نمی‌کند، طرف از الغیای بازیگری حتی الفش را هم نمی‌شناسد آنوقت در یک سریال یا فیلم سینمایی معروف بازی می‌کند و اتفاقاً که زل خوبی هم نصیبش می‌شود، اینجا است که حس کنجکاو مخاطب برانگیخته می‌شود که آیا واقعا شخص دیگری نبود که جای این فرد بازی کند؟

بعضی وقتها ماجرا آنقدر عجیب می‌شود که نام فرد مورد نظر در تیزتراژ بالاتر و مقدم‌تر از خیلی از نام‌های مشهور دیگر قرار می‌گیرد و ردیف‌های اول نام بازیگران را به خود اختصاص می‌دهد. در حالیکه همه ما می‌دانیم این فرد در حوزه بازیگری چندان که نه، اصلاً شناخته شده نیست، از سویی خوب که هیچ، حتی متوسط هم بازی نمی‌کند، حالا اینکه چرا نامش در ردیف‌های اول تیزتراژ قرار گرفته و چرا نقش خوبی در فیلم یا سریال مورد نظر نصیبش شده خدا می‌داند. (البته شاید پاسخ این پرسش با جمله‌ای که در گاوستان گفتیم ارتباطی نداشته باشد، پیش خودمان بماند).

همین دو روز پیش بود که پرویز فلاحی پور بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون در گفتگویی به این موضوع اشاره کرده و ضمن انتقاد از روابط

منفی‌ای که در تلویزیون وجود دارد و باعث می‌شود که برخی افراد بدون داشتن هیچ تجربه‌ای به طرق مختلف به سریال‌های تلویزیونی ورود پیدا کنند و نقش مهمی را هم به دست آورند، از رئیس جدید صداوسیما خواسته بود که در ماموریت جدیدش در این سازمان به این موضوع رسیدگی کند و اجازه ندهد که پس از این چنین مسائلی در مجموعه‌های تلویزیونی اتفاق بیفتد. بالاخره هرچه نباشد اولویت حضور در یک مجموعه تلویزیونی با افرادی است

که هم در این زمینه تخصص آکادمیک دارند و هم تجربه سالیان دراز بازیگری در کارنامه‌شان وجود دارد. البته که این مسئله با موارد استثنایی که گاهی رخ می‌دهد منافاتی ندارد، گاه مشاهده می‌کنیم که یک فرد نه تحصیلات آکادمیک بازیگری و نه تجربه این کار را دارد برای اولین بار در یک سریال حضور می‌یابد و چنان از خودش استعداد و توانایی نشان می‌دهد که نمی‌توان در کارهای دیگر او را نادیده گرفت.

در مورد چنین افرادی حتی باید افسوس خورد که چرا «آن» بازیگری‌اش زودتر کشف نشده‌است تا کارگردانان مختلف از هنر بازیگری‌شان در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف استفاده کنند، اما اینکه قسراً با افرادی به قول پرویز فلاحی پور به واسطه برخی ارتباطات منفی به یک مجموعه تلویزیونی تحمیل شوند درست نیست، چرا که جدا از اینکه با حضور این افراد در یک پروژه تصویری از کیفیت نهایی کار کاسته می‌شود، حق بازیگران دیگری که می‌توانستند در آن پروژه حضور داشته باشند ضایع می‌شود.

همه چیز را گفتیم اجازه دهید کمی هم در سرباره افرادی که این روابط را برقرار می‌کنند و افرادی که اجازه ایجاد چنین روابطی را می‌دهند هم بگوییم. آنان که با معرفی افراد نابازیگر به پروژه‌های مختلف محیط سینما و تلویزیون را ناسالم می‌کنند و آن کارگردانان و تهیه‌کنندگانی که با پذیرش حضور این افراد در پروژه‌های تصویری‌شان به بازیگرسازی، آن هم از نوع ناسالمش مبادرت می‌ورزند، ناگفته پیداست وقتی یک فرد که نه هیچ تخصصی دارد و نه هیچ رزومه‌ای، در یک پروژه تصویری بعضاً مهم وارد شده و به نقش اصلی مبادرت می‌ورزد، کارش برای حضور در پروژه‌های بعدی راحت‌تر خواهد شد چرا که حالا به زعم خودش فرد با تجربه‌ای شده و می‌تواند با تکیه بر همان یک اثری که در کارنامه هنری‌اش دارد در سریال‌های بعدی حضور پیدا کند و چه بسا که دستمزد آنچنانی هم طلب کند.

به این عزیزی که دست اندر کار تولید و ساخت پروژه‌های تصویری تلویزیونی و سینمایی هستند عرض می‌کنیم که همه شما بهتر می‌دانید که ساخت هنر ساخت مقدس و ارزشمندی است، ساختی ست که نباید آن را به واسطه برخی روابط نادرست و تحمیلی آلوده کنیم، بر اساس همین اصل از این بزرگواران تقاضا داریم که از انجام چنین کارهایی جدا خودداری کنند و اجازه دهند هنر و هنرمند سالم و بی‌الاش به مسیر خود ادامه دهد که این مهمترین وظیفه‌ی است که افرادی که در حوزه هنر فعالیت می‌کنند بر عهده دارند.

«چریکه‌ی خاموش» در گالری «مژده»

آفتاب یزد: گالری «مژده» تازه‌ترین مجموعه آثار پیمان رحیمی زاده را از عصر جمعه ۲۳ مهر ماه به تماشای می‌گذارد. «چریکه خاموش» عنوان این نمایشگاه است که در معرفی آن، متن زیر منتشر شده است: «آنجا که تاریکی بر ساحت خرد، سایه می‌اندازد و نابرابری مقیاسی ست برای سنجش، چیزی جز زرمزه فروخورده روشنائی باقی نخواهد ماند. آوای آزادی و بودن که بر نگاه مضطرب پوشیده و مثله شده می‌نشیند و به شعری حماسی می‌ماند که در ابتدای سربایش، عقیم مانده است.» در این نمایشگاه ۲۵ اثر که همگی در سال ۲۰۲۰ و با تکنیک میکس مدیا خلق شده‌اند ارائه خواهد شد. پیمان رحیمی زاده متولد ۱۳۵۷ لاهیجان، بیش از ۵۰ کتاب را برای کودکان تصویرسازی و بیش از ۱۵۰ طرح جلد کتاب را خلق کرده و جایزه‌های متعددی از کشورهای ژاپن، لهستان، آلمان و... کسب کرده و بارها آثارش در دوسالانه زاگرب، دوسالانه براتسلاوا اسلواکی و... به نمایش گذاشته شده است. «چریکه خاموش» پیمان رحیمی زاده تا چهارم آبان ماه ۱۴۰۰ در گالری مژده به تماشاست.

سینما «عصر جدید» تخریب نشده است

عبدالله علیخانی تهیه‌کننده و مدیر سینما «عصر جدید» درباره انتشار تصاویری از این سینما که منجر به شکل‌گیری شایبه تخریب آن در فضای مجازی شده است، گفت: ما این سینما را به دلیل کرونا تعطیل کرده‌ایم تا ببینیم اوضاع چگونه می‌شود و سینماها چه روندی طی می‌کنند. در این شرایط ما بلاکلیف هستیم، وی بیان کرد: ما سینما را تخریب نکرده‌ایم. اینکه چند صندلی سینما را عوض کرده‌ایم به معنی تخریب است؟ صندلی‌ها برای پنجاه سال پیش بود ما می‌خواستیم صندلی‌ها را عوض کنیم، به همین دلیل صندلی‌های قدیمی را جمع‌آوری کردیم ولی به ناگاه کرونا پیش آمد. به همین ترتیب ما صبر کردیم تا ببینیم وضعیت چگونه می‌شود. علیخانی بیان کرد: ما بلاکلیف هستیم مثل کسی که در کماست، دکتر نه می‌گوید زنده است نه درگذشته است. با این وضعیت تورم و فروش کم سینماها باید ببینیم می‌توانیم کاری کنیم یا نه. دو سال پیش وقتی اولین بار خبر ورود کرونا به ایران رسانه‌ای شد همه گفتند چند روز دیگر به وضعیت عادی برمی‌گردیم و سال‌ها باز می‌شود اما این وضعیت دو سال ادامه دار شد. ما باید ببینیم می‌شود مخارج کمرشکن و مخارج تعویض صندلی‌ها را مدیریت کنیم یا نه. نمی‌دانم آن عکس‌ها را چه کسی منتشر کرده اما حتماً وضعیت روحی و روانی مناسبی نداشته که این چنین عکس‌ها را با عنوان تخریب منتشر کرده است. به گزارش مهر، وی در پایان بیان کرد: ما کار خلاف شرعی نکرده‌ایم. آیا برای تعویض صندلی‌ها باید از کسی اجازه می‌گرفتیم؟

فقر و اختلاف طبقاتی

ادامه از صفحه اول:
 تقویت معیشت مردم از تباط مستقیم با ایجاد دارایی‌های انسانی و اجتماعی و سیاسی و مالی و طبیعی نیاز دارد. دارایی‌ها از طریق دسترسی بهتر به منابع ایجاد ظرفیت در تمامی حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌کند و از استرس و آسیب پذیری جامعه جلوگیری می‌کند ولی به دلیل نابرابری و تبعیض این دارایی‌ها به تنهایی در اختیار افرادی خاص قرار گرفته است و تبعات این رویکرد افزایش فقر و اختلاف طبقاتی است و این امر مهم پیامی روشن به جامعه سیاسی است. باید تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را به سمتی هدایت کرد که منجر به رفع چالش‌های پیش روی مردم باشد.

جدول شماره ۶۱۳۴

افتی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

نمودی پاسخ جدول شماره ۶۱۳۳

۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۳	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۶	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۳	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

۱- سیاستمدار فرانسوی قرن نوزدهم معروف به پیر فرانسه -نوعی نان شیرینی
 ۲- گمراه کردن - دومین پادشاه صفوی بعد از شاه اسماعیل ۳ - بی‌باک، دلبر - مخفف چهل - مقابل فای - جوی خون ۴- تواضع و تعظیم - استخوان شربطنبدی - ساز ضربی مدور ۵- نوشابه قدیمی - شهری در بلژیک - قوم حضرت موسی (ع) ۶- شهر زیارتی - شهر آلمان مثل هم - زمان ناچیز ۷- معبدها - انبار گندم - بسیار زیاد ۸- دکان - اضافه‌ها ۹- احساس غرور - پدر سرود آویج - تودهای برآمده و غیر طبیعی که از سطح پوشش‌های مخاطی می‌روید ۱۰- پشته خاک - برعکس درونی - بی‌برده - نشان مغفولی ۱۱- کم عقل - از امراض عصبی - دریاچه لرستان ۱۲- شهری در فارس - هولناک - توده مردم عادی ۱۳- درخت زبان گنجشک - چیدن محصول - اثر خیسی - منسوب به سخن ۱۴- ایالتی در آمریکا - گل به سر خاکی ۱۵- موفقیت - نفس‌پاد صبا...- توده‌ها شد